

ستاره سرخ

شماره سرخ - شماره ۲۴ - سال سوم

شماره مخصوص ویتنام

پنجم ماه ۱۳۵۱ - برابر فوریه ۱۹۷۳

خلق يك کشور کوچک در صورتیکه
جرات یابد و به مبارزه برخیزد و
جسارت بوزد اسلحه بردارد و سرنوشت
کشور خود را بدست گیرد ، آنوقت
یقیناً خواهد توانست بر تجاوز کوری
بزرگ غلبه نماید . این يك قانونمندی
تاریخ می باشد .
(مائوتسدون)

این شماره "ستاره سرخ" رابه ویتنام اختصاص دادیم . جنگ رها تخیل خود را در روی تمام و شکست مقتضای امر -
یالیم آمریکا در ازای اهمیت تاریخی است زیرا نه تنها پیروسی افول امپریالیسم یانکی را بطور قابل توجهی تسریع نمود بلکه
خیانت روزیونیستهای مد زین رابه جنگ توده های بارز یگر ثابت کرد .

روزیونیستهای مد زین با اینکه در ظاهر از مبارزات خلق ویتنام پشتیبانی کردند ولی این کاملاً تاکتیکی و برای گول زدن افکار
عمومی بود زیرا عملاً در روح و عمل خلقهای هند و چین تخریب می کنند و حکومت دست نشانده لئون نول را بر رسمیت می شناسند
زیرا آنها از آغاز جنگ توده های در ویتنام فریاد می کنند که باید "کانونهای جنگ" را خاموش کرد تا از بروز جنگ جهانی
جلوگیری شود و خلقهای تحت ستم حق ندارند در برابر تجاوز امپریالیستها با قهر انقلابی پاسخ گویند . آنها باید پیوسته
بین جنگ عادلانه و جنگ امپریالیستی را مخرج میساختند . آنها قدرت جنگ توده های رابه مسخره کردند و میگفتند که با
جریک توده های نمیتوان در برابر قدرت آتش و اسلحه ای مد زین امپریالیسم آمریکا مقاومت نمود . اما برانیک خلق ویتنام و عکس
نظرات ضد انقلابی آنها را به اثبات رساند .

فامیقا اعتقاد دارد انقلابیون ایران میتوانند و باید از تجارب غنی خلق ویتنام بیاموزند . ویژگیها و خصوصیات جامعه
ما و ویتنام که باید بحساب آیند نمیتوانند این حقیقت را از نظر هادورید اند که انقلاب مبین ما را اساسی ترین مسایل یا
انقلاب ویتنام در ازای وجود مشترکی است : پیروسی هژد و انقلاب طولانی ، سخت و بیخبرج است ، از وضع حله - د مکرانیک
و سوسیالیستی - میگردد ، پرولتاریا برای کسب قدرت سیاسی باید توسط حزب سیاسی خود وسیعترین طبقات و اقشار
انقلابی و مکرانیک یعنی کارگران ، دهقانان ، خرد و بزرگ بوزواری سپهری ، بوزواری ملی و دیگر عناصر مهنپرست را متحد سازد
تا در یک واحد عملی ازین توده های بوجود آورده و بانیکه بقهر انقلابی توده های سلطه امپریالیستها ، قوت الهی و سرمایه داری -
بوزواری را در هم شکند . پیروزی بیهای خلق ویتنام و دستاوردهای انقلابی آنها ، پیروزی مائوتسدون میشوند و پیش

الهام بخش مبارزات آیند هی خلقهای ما در مبارزه بخاطر رهائی ملی و دمکراسی میباشند .
ما در زیر بنای دیک و امکانات خود جوانی از تجارب خلق ویتنام را توضیح میدهم . نوشته ای کوتاه از ضد رهوتی مین
تحت عنوان "راهی که مرابه لنینیسم رساند" آورد ایم . این نوشته از خلقی - ملو از احساسات گرم و آتشین نسبت به انقلاب
ورهائی زحمتکشان ، نسبت به سوسیالیسم و کمونیسم ، برخاسته است و نشان میدهد که رهبر بزرگ خلق شکست ناپذیر
ویتنام در کمال سادگی و در راز هر نوع افاده ای روشنگر مابانه مسایل انقلاب را مطرح میسازد . نوشته دیگر بخشی از -
سخنرانی رفیق "ترونگ چین" محضو در فرسیاسی کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام است ، در اینجا رفیق "ترونگ چین"
تجربهای طولانی خلق ویتنام را جمع بندی میکند و بد رستی نشان میدهد که انقلاب قهرآمیز تنها راه رهائی خلق ویتنام
بوده و هست . او در عین حال ، روی ترکیب شکلهای مبارزه مسلحانه و سیاسی تاکید میکند که برای مبارزین ایرانی که پرچم انقلاب
قهرآمیز را برافراشته اند در ازای اهمیت میباشند . در مقاله دیگری سیر تاریخی رشد جنگ رها تخیل خلق جنوب
ویتنام را در ۱۹ سال اخیر مختصراً آورد ایم تا روشن گردد که خطورتیرونی کوچک به تیروی بزرگ در زحمتکشان مبارزه متحدیل
میگردد ، خطورتیرونیها خلق آبدیده میشوند ، در برابر تحریکات و توطئه های رنگارنگ دشمن هشیارانه عمل مینمایند
و قدم با استراتژی و تاکتیک نموشیدیری دشمن را از پای در میآورند . مقاله دیگر "شعبانید آزادی و ولادت یابد" -
از چگونگی برخورد کمونیستها در شرایط سخت زندان ، از روحیه مقاومت جوانانه و مبارزه تا به آخر و بویژه اهمیتان به پیروزی
سخن میگوید و ضد روحیه واد ادگی و تسلیم طلبی است و بالاخره مقاله ایست درباره برخورد خلق مائوتسدون رژیم
شاه و برخورد روزیونیستهای حزب توده ایران به جنگ توده های خلق ویتنام .
در این مختصر ما مطمئناً نتوانستیم بحوبی نکات اساسی انقلاب ویتنام را منعکس سازیم . امید داریم جنبش و راهروشن
از تجارب ویتنام بوجود آید . در این راه ما بسهم خود کوشش خواهیم کرد .

راهی که مرابه لنینیسم رساند

شور و شوقی ، چه روشنی افکار و چه اعتمادی در من
ایجاد کرد ! از فرط شادی گریه کردم . با اینکه
تنها در اتاقم بودم ؛ مثل اینکه در جلو جمعیتی قرار
دارم با صدای بلند فریاد زدم : "شهادای عزیزم ،
هموطنان ! این آن چیزی است که ما بدان محتاجیم
این راهی است به آزادی ما !"
پس از آن من به لنین و بین الملل سوم اعتماد کامل داشتم
قبلاً در جلسات شعبات جزئی ، فقط گوش میدادم ، اعتقاد
نگینی داشتم که همه حرفها منطقی اند و نمی توانستم
بین حرفهای درست و نادرست تمایز بگذارم . اما پس
از آن ، خود رابه جریان بحث ها انداختم و با جرارت
مجادله می کردم . با اینکه هنوز نمی توانستم به زبان قریب
تمام افکارم را بیان دارم ، مع الوصف با تمام قوا هرگونه
حمله به لنین و بین الملل سوم را در هم می شکستم . دلیل
من این بود : "اگر شما استعمار را محکوم نمی کنید ، اگر
شما طرف مردم مستعمرات را نمی گیرید ، پس دست انداز
کار چه نوع انقلابی هستید ؟"

پس از جنگ جهانی اول ، زندگی ام را در پاریس
می گذراندم . گاهی رتوشگر عکاسی می کردم و گاهی
نقاشی "متیفه های چینی" (ساخت فرانسه) ، اعلامیه
نهایی را که حمایت استعمارگران فرانسوی را در ویتنام
محکوم می نمود ، بخش می کردم .
در آن زمان تنها بطور غیررسمی از انقلاب اکثر پشتیبانی می
کردم ، چه هنوز اهمیت تاریخی آنرا تماماً درک نکردم
بودم . من لنین را بخاطر اینکه مبین پرست بزرگی بود
و هموطنان را آزاد کرده بود ، دوست داشتم و هوا -
خواهش بودم ، تا آن زمان هیچ يك از آثارش را نخوانده
بودم .

نه تنها در جلسات شعبه حزبی خود شرکت می کردم ،
بلکه به شعبه های دیگر هم می رفتم تا "موضع خودم" را
روشن نمایم . حالا باز دیگر باید بگویم که رفیق مائوتسدون
کاشن ، وایان کونوری ، مومن موسو و رفقای زیاد دیگری
به من یاری دادند تا دانش خود را بالا ببرم . بالاخره
در رتگره "تور" بنف پیوستن به بین الملل سوم ای دادم .
اول مبین پرستی و نه کمونیسم باعث شد که به لنین و
بین الملل سوم اعتماد کنم . قدم به قدم ، در جریان گفتگو
با طالعوی مارکسیسم - لنینیسم همراه با شرکت در فعال
لیتهای عملی ، در رجا به این حقیقت پی بردم که تنها
سوسیالیسم و کمونیسم است که می تواند ملت های ستمدیده
و توده های زحمتکش سراسر جهان را از بردگی رها
بخشد .
در کشورها و همچنین در چین ، افسانه ای است در
بارهی "کتاب راهنمای معجزه آسانی که به هنگام روبرو
شدن با مشکلاتی ، آنرا بازی می گوی و راه نجات را می
یابی . لنینیسم نه تنها "کتاب راهنمای معجزه آسا و
قطب نما برای ما انقلابیون و خلق ویتنام است بلکه
آفتاب تابانی است که راه ما را به پیروزی نهایی ، به
سوسیالیسم و کمونیسم روشن می کند ."
هوشی مین - بناسیت نود مین سالگر تولد لنین - ۱۹۶۰

دلیل اینکه به حزب سوسیالیست فرانسه پیوستم این بود
که این "خاتم ها و آقایان" - طوریکه آنوقت رفقایمان را
می خواندیم - به من و مبارزات خلقهای ستمدیده علاقه
نشان داده بودند . اما من نه چیزی از حزب و اتحاد
کارگری می فهمیدم و نه چیزی از سوسیالیسم و کمونیسم .
در آن موقع بحث های شدیدی در شعبات حزب لیستی
جریان داشت . موضوع بحث این بود که آیا حزب
سوسیالیست باید در بین الملل دوم باقی بماند ؟ آیا
باید بین الملل دوم و نیم بوجود آید ؟ و آیا حزب سوم
سوسیالیست باید به بین الملل سوم پیوندد ؟ من در ویا
سه بار در هفته مرتباً در جلسات شرکت می کردم و بنا
دقت بحث ها را دنبال می نمودم . اول نمی توانستم
کاملاً از مسائل سر در آورم . چرا بحثها آغاز شدند
بود ؟ یا کدام بین الملل سوم ؟ دو نیم یا سوم
انقلاب می شود کرد ؟ این بحث ها چه نفعی دارند ؟
بین الملل اول به چه سرنوشتی دچار شد ؟
آنچه که از همه بیشتر می خواستم بدانم - و در آن بحث
ها دیده نمی شد این بود : کدام يك از بین الملل ها
در سمت خلقهای تحت ستم ایستاده است ؟

مسأله ی قهر در انقلاب ویتنام

مارکسیسم - لنینیسم بر آنست که "مسأله ای اساسی هر
انقلابی مسأله ی قدرت است" . تنها با در هم شکستن قهر
ضد انقلابی طبقات استعمارگر حاکم از طریق بکاربردن قهر
توده های است که خلق میتواند قدرت خود را مستقر ساخته و
جامعه ای نوین بنانهد . طبقات استعمارگر هرگز تمیل خود
صحنه سیاسی را ترک میکنند و نه از استعمار ستم مردم زحمت
کش دست برمی دارند .
مارکس معتقد است که "قهر قابله جامعه ای کهنی است
که آستن جامعه ی نوینی میباشند" . انگلس در کتاب آندیشه
مارکس در اثر معروف خود "آنتی - دورینگ" ، نقش قهر در
تاریخ را یاد دزد تحلیل فرار داد . لنین بزرگترین
وارث مارکس و انگلس یاد آور میشود : "نقطه نظر انقلاب قهر
آمیز ریشه ی تمام آموزشهای مارکس و انگلس را تشکیل میدهد
" دولت بوزواری نمیتواند از طریق زوال خود به دولت
پرولتری (دیکتاتوری پرولتاریا) تبدیل گردد ، بلکه طبق
قاعده ی عمومی اینکار تنها از طریق انقلاب قهرآمیز صورت
میگیرد " (دولت و انقلاب) .
یکی از اساسیترین معیارها برای تمایز ساختن مارکسیست
لنینیستها از اپورتونیستهای رنگارنگ اینست که آیا آنها
برای در هم شکستن ، دستگاه دولتی طبقات استعمارگر
(بوزواری و طبقه مالکین ارضی) و استقرار یک دولت دیکتاتوری
پرولتاریائی قهر انقلابی توده های بکار میبرند یا نه .
دو بیانیهای شستهای نمایندگان احزاب کمونیستی و

و کارگری در مسکو در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ بعد و احتمال
گد ارسالمت آمیز و غیرمسالمت آمیز به سوسیالیسم اشاره
کردند . حزب ما با این نقطه نظر توافق دارد . اما در عین
حال حزب ما تاکید میکند که در شرایط کنونی بسیاری از
کشورهای سرمایه داری و سرمایه داران انحصاری دولتی
راه نظامی فاشیستی کردن را با ابعاد مختلف در پیش
گرفته اند و در سرکوب طبقه ی کارگر و مردم زحمتکشند
ترین قهر را بکار میبرند . بدین دلیل است که ما باید تاکید
کنیم که بکاربردن قهر انقلابی برای خورد کردن ماشین و ولو
بوزواری و استقرار دولت دیکتاتوری پرولتاریائی در شرایط
کنونی ، در رابطه با مبارزه انقلابی طبقه کارگر در کشورهای
سرمایه داری يك قانون جهانشمول است . ("قطعنامه
نهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ۱۹۶۳)
امکان گد ارسالمت آمیز به سوسیالیسم در ازای ارزش است ،
اما احتمال رخداد آن نادر است . بهمین دلیل کمونیستها
در رهبری انقلاب باید آماد بهائند با هر دو احتمال روسرو
شوند - مسالمت آمیز و غیرمسالمت آمیز ، اما آنها باید بطور
عمده برای احتمال غیرمسالمت آمیز خود را آماده نمایند :
هیچگاه نباید خیالات واهی در زبانه های احتمال يك گد از -
مسالمت آمیز آسان ، در سر بروراریم . طبقه کارگر و خلق
کشورهای مستعمره و نیمه - مستعمره بویژه باید از چنین
خیالاتی خود را مصون نگهدارند .

منطق خلق و منطق رژیم شاه

سپون مخطلمین و دانشجویان ایرانی . بمتابه سازمانیسی
توده ای نقش ارزنده ای در شناساندن و حمایت از این
مبارزات ادا نمودند . بخش اعلامیه های متعدد نیز
توسط روحانیون مبارز ایرانی ، دفاع آتشین مبارز
انقلابی در دادگاههای قرون وسطائی رژیم شاه از حق
جنگ عادلانه خلق ویتنام و الهام گرفتن از مبارزات او ،
انعکاس این مبارزات در سطوح مختلف فرهنگی و هنری
توسط نویسندگان ، شاعران و هنرپیشه ها و غیره و بالاخر
عملیات چریکی به هنگام سفر اخیر نیکسون به ایران گسه
منجر به کشته شدن ژنرال پرایس آمریکائی گردید . همگی
نشان دهند هی احساسات عمیق برادرانه و مبارزه جوانانه
نسبت به خلق قهرمان ویتنام و سایر خلقهای هند و چین
است که توسط مردم ایران و انقلابیون ایرانی علیرغم ترور
بقیه در صفحه دوم

در جریان مبارزات طولانی و جماعه آفرینی که خلق
ویتنام علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی انجام داد و به
خصوص از سالهای ۱۹۶۱ به بعد که جنبش ملی آزادی
بخش در جنوب ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا و بدست
نشاندگانش اوجگیری نوینی یافت ، بار مبین ما دو نوع
برخورد کاملاً متضاد نسبت به این مبارزات در برابر هم
قرار گرفتند .
از یکطرف خلقهای ایران در ش به در ش تمام خلقهای جهان
از مبارزات قهرمانانه ی خلق ویتنام آموخته و قاطعانه از
آنها پشتیبانی نمودند : سازمانها و گروههای سیاسی
مترقی ضد رژیم از طریق بسیج توده ها ، بره انداختن
تظاهرات و تبلیغ پیروزیهای خلق ویتنام در نبرد
دشمنانش به پشتیبانی از آن برخاستند . دانشجویان
مبارز ایرانی در داخل و خارج کشور و بخصوص کف در

پرولتاریای جهان ، خلقها و ملل ستمدیده متحد شوید!

سال بزرگ

روزنامه نان در آن چاب هانوی در سه مقاله خود به مناسبت آغاز سال نوزدهم عنوان "یک سال بزرگ" نوشت "۱۹۷۲ سال برجسته بود: این سال بزرگترین پیروزی ها را در تاریخ جنگ مقاومت ویتنام علیه تجاوز آمریکا با خطر واقعی ملی ثبت کرده است."

در جنوب ویتنام از پایان ماه مارس قوای نظامی و مردم در جنوب به یک سلسله حملات بزرگ علیه نیروهای دست نشانده در سایگون که از پشتیبانی امپریالیسم آمریکا برخوردار است پرداختند. آنها بسیاری از قوای جنگی دشمن را از صحنه جنگ خارج کرده، مناطق وسیعی را آزاد کردند و فقط از فراوانی از وسائل جنگی و انبارهای مخابراتی و مراکز را نابود ساختند. نیروهای مسلح و مردم جنوب در سال ۱۹۷۲ در حدود ۵۰۰۰۰ نفر از قوای دشمن را از صحنه جنگ خارج کرده اند که این بیش از تلفات وارده بر دشمن در سال ۱۹۷۱ می باشد. نیروی ارتش آزاد بیخوش در حملات به نیروهای دست نشانده در مناطق های کوان تری و کن تو و خط فاهی این مناطق را که سالها در اختیار دربار دست نشانده آمریکا بود نابود ساختند.

در اثر ضربات شدید نیروی مسلح و مردم جنوب رو به عقب نیروهای دست نشانده و سایگون بسیار با عقب رفته، فرار از ارتش بالا گرفته و فعالیت های ضد جنگ و وسعت زیادی یافت. تسبیح در منطقه پلتای میونگ، دروازه عرض ششماه برحدود ۵۰ کیلومتر، نفر از افسران و سربازان نیروهای دست نشانده از ارتش گریخته اند. در رابطه با حملات قدرتمند ارتش آزاد به بخش نیروها، مبارزین و توده های مردم در مناطق نروایی به جنگ پرداخته، نقشه به اصطلاح "برقراری آرامش" آنها که پایه برنامه "وینامی کردن" جنگ را تشکیل می دهد بر ملا ساخته اند، مناطق وسیع و مهم نظامی را بسا جمعیت ۲/۵ میلیون آزاد ساختند.

در مناطق تحت اشغال دشمن - سال ۱۹۷۲ هشتم چنین سالی بود که توده های مردم در مناطق تحت اشغال در آلوده دست نشانده آمریکا با وجود فشار فاشیستی، به مبارزات خود به اشکال مختلف وسعت دادند. کارگران در مقابل استثمار و وحشتناک شدن شرایط مقاومت کردند. در ماه مارس ۵۰۰۰ نفر از کارگران بندر در سایگون دست از کار کشیدند بطوریکه بندر سایگون از کار افتاد. کارگران در سایگون، وانانگ و مناطق دیگر همراه توده های مردم از ماه مه به منظور مخالفت با اقدامات جدید تیو تحت عنوان "تأمین امنیت" به مبارزات برخاستند. کارگران در بسیاری از کارگاه های کوچک و متوسط به منظور مخالفت با بالا بردن مالیات ها به مقاومت برخاسته و خواستار حل مشکل بیکاری بودند. در منطقه سکوتی، زمختسار، در ناحیه جیانگ بین سایگون در ماه ووقتی به منظور بدست آوردن حق زندگی روزانه تطویر متوسط و تا ۳ اقدام اعتراضی انجام شد.

شمال ویتنام در سال گذشته از اوایل آوریل راهزنان آمریکائی به خاطر جلوگیری از شکست کامل سیاست "وینامی کردن" جنگ، تعیین این سابقه ای از نیروهای برپای "هوا" خود را در تجاوز به شمال ویتنام در مخالفت با دست بردن بیارن شمال را شدت بخشیدند و به واسطه سواحل جمهوری در مکران ویتنام را من گداری نمودند. در حقیقت بدین ترتیب امپریالیست ها بوجاهه کوشیدند به نیک بدرگتری به ویتنام باز گردند و بار دیگر جنگ را "آمریکائی" بنمایند. اما خلق شمال ویتنام یا تجلی بازم بیشتر قدرتمند نظامی جنگ توده ای ضربات شدید یی به این ماجراجویی نظامی دشمن وارد ساختند. از شمال محافظت کردند و در ساختمان سوسیالیسم باز هم بیشتر پیش رفتند و همه جانبه به برکنار کردن جنوبی کمک رساندند. طبق آمار موجود نیروهای مسلح و خلق شمال ویتنام در سال گذشته ۷۳۳ فروند هواپیما، تانک آمریکائی را که ۵۴ فروند آن از نوع بی-۵۲ و ۵۰ فروند آن از نوع اف-۱۰۵ بود، سرنوگن ساختند. بیش از هزار خلبان آمریکائی را کشته یا اسیر نمودند. در ۱۹۷۲ به کشتیهای جنگی امپریالیستهای آمریکائی خسارات وارد ساختند.



تخریب ماشینهای جنگی امپریالیسم آمریکا از برجسته نمودند و کوشیدند تا تارخ و شغفت محافل امپریالیستی را نسبت به خلق ویتنام جلب کنند. روزنامه های حزب توده به بجای نشان در آن چهره های مضم مبارزین انقلابی توده ها و اراده آهنین آنها را که جنگ صورت مأمور زده و زمان و کورگان وحشت زردی ویتنامی را مکرر نامش میزدند تا توجیهی در تارخ ضرورت "اگر ارضالت آمیز انقلاب پیدا کنند و یا تغییرات ضد انقلابی خود را ترجیح ندهند. آنها بجای این که پیروزی خلق ویتنام را نتیجه مبارزات آتشین نماندند و قهرمانانه ای از "برایان نگاه" به نیروی خودشان در کنگنه "ککهای سوسیال" امپریالیسم شوروی را که از روی اجبار و بخاطر حفظ ظاهر صورت میگرفت، تحمیل کننده بودند و رسیدن به پیروزی خلق ویتنام جار میزدند. تاریخ یکبار دیگر نشان داد که سنی که امپریالیسم آمریکا در هند و چین بلند کرده بود بروی بای خودش افتاد و به زانو افتاد. تاریخ همچنین توطئه جینی های رژیم شاه را در خندت به امپریالیسم و سگهای زنجیرش با رسوائی و شکست کامل روبرو ساخت. و بالاخره تاریخ روزیوتیستهای حزب توده که بقدرت جنگ توده ای و وکست قدرت از طریق قهر انقلابی توده های ایمان نده اند و کست قدرت را از طریق "سالمات آمیز مبارزات" تارخ روشنی تبلیغ میکنند یکبار دیگر محکوم ساخت. تاریخ نشان داد که سرنوشت امپریالیسم و گله مرجعین جهان مرگ و نابودی حتمی آنهاست. آینده ای روشن و تابناک متعلق به خلقهاست. این یک قانونمندی تاریخ است.

شرایطی است که ماهی (نیروهای مسلح توده ای) برای تارخ کردن آبی (سازمانهای پایه ای توده ای) خواهد داشت. ۲- باید توانائی ترکیب و هماهنگ ساختن مبارزات مسلحانه و مبارزات سیاسی را در رجه عالی رسانند. ترکیب و هماهنگ ساختن مبارزات مسلحانه و سیاسی، قبل از درگیران و پس از آغاز "فشار مسلحانه" در جریان مبارزه برای کسب قدرت مانند جنگ آزاد بیخوش در مناطق روستائی و شهری در رابطه با نقشه های استراتژیک عملیات تاکتیکی و تاکسید در جریان جنگ آزاد بیخوش، ترکیب و هماهنگ ساختن قرض عمومی نظامی باقیام توده های سراسری، غالبترین شکل ترکیب و هماهنگی است.

۳- انقلاب در هر کشوری بطور اساسی از خلق آن کشور است. هیچکس بجای آنها نمیتواند این وظیفه را برای آنها انجام دهد. مبارزه مسلحانه انقلابی در هر کشوری در رجه اول امر توده های خلق خود آن کشور تحت رهبری حزب مارکسیستی - لنینیستی است. کمک کشورهای دیگر با انقلاب بسیارگرانها و مهم است ولی بجای مبارزه انقلابی خلق خود آن کشور نمیتواند باشد. مهمترین اینکه کمکهای دیگران تنها از طریق این مبارزه است که میتواند متوجه شود.

بقیه منافع خلق و منطق رژیم شاه و خلقان رژیم ابراز شده است. منطق خلقهای ایران منطق دفاع از مبارزات عادلانه خلقهای هند و چین علیه استعمار، استثمار، ظلم و ستم است زیرا آزادی و خلقها را کام مهبی در راه آزادی خود و تمام بشریت میدانند. از طرف دیگر رژیم شاه منطق دیگری داشت، منطق او حمایت از جنایتکارترین و رد یلانه ترین عملیاتی است که بدست خون آلود امپریالیسم آمریکا و سگهای زنجیرش صورت میگیرد: رژیم ایران نه تنها در آلوده دست نشانده تیور با به رسمیت می شناسد بلکه در زانه و مالک سانه از طریق فرستادن دکتر، پرستار، بارو، بنزین و نفت، شنگه گران ساواک و حتی دادن هواپیما در نظر بحرانی اخیر به حکومت دست نشانده تیو همراه با رژیم های یونانی دیگر نظیر گره جنوبی و تایلند، از هیچگونه توطئه جنایتکارانه ای علیه خلق ویتنام و مبارزین کوتاهی نکرد و خود را در این جنایتها و داغ تنگ آندی که بر پیشانی امپریالیسم آمریکا و مزدوران سایگونی او زده نده است سهیم نمود. منطق ارتجاع ایران، منطق حمایت از جنگهای غیر عادلانه امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای هند و چین، بخاطر از انهی استعمار، استثمار و ظلم و ستم بود چه بقای خود را در بقای مرتجعین جهان می داند.

در این میان منافع ارتجاعی و سودجویانه ی روزیوتیستهای حزب توده نیز کاملاً برملا شد. آنها بجای اینکه دستاوردهای بزرگ جنگ توده های خلق ویتنام را برجسته نمایند، قدرت باید امر ترکیب و هماهنگ کردن مبارزات سیاسی (برای نمونه اقتصادات عمومی سیاسی، اقتصادات مردم آرس، اقتصادات بازار، کارمندان ان ارات آمینتکها، و تظاهرات سیاسی - نمایشات مسلحانه برای نشان دادن قدرت و غیره) با مبارزات مسلحانه را مقروض بداند بویژه این مسأله ریک جنگ توده ای دراز مدت بدانه و سبیه تری یافته و ترکیب و هماهنگ ساختن مبارزات سیاسی و نظامی اشکال متنوع تری میگیرد. در نتیجه در رابطه با تجزیه ترکیب و هماهنگ ساختن مبارزات سیاسی با مبارزات مسلحانه انقلاب و نظامی تجارب اساسی زیرا بدست آورده است. ۱- در جریان انقلاب توده ها را باید تمام وکمال (بطور مطلق) برای شرکت در مبارزات سیاسی باشکال گوناگون بسیج کرد تا از این طریق آنها را تربیت کرد. شور و شوقشان را بالا برد و با مشکل ساختند. باید سازمانهای حزبی و سازمانهای سیاسی توده های "ارتش سیاسی توده ای" را توسعه بخشید. تنها در رخله معینی هنگامیکه شرایط مساعد است باید دست با ایجاد نیروی مسلح توده ای انقلابی زد. مبارزه مسلحانه را آغاز نمود. سازمانهای سیاسی توده های انسان نیروهای مسلح توده ای را تشکیل میدهند. تنها در چنین

بقیه ساله قهر در انقلاب ویتنام حزب ما از روز تولدش همیشه به اندیشه یمنی انقلاب قهر آمیز مارکسیسم - لنینیسم وفادار بوده، از ماهیت ارتجاعی شدید امپریالیستها و قوت آنها و قدرت همبستگی رزمندگی خلق در رجه اول کارگران و دهقانان، از بیابانی درستی نمود. حزب ما راه انقلاب قهر آمیز را بعنوان تنها راه برای واژگون ساختن دشمنان طبقه و ملت، کسب قدرت توسط خلق، حفظ قدرت انقلابی و پیروزی انقلاب در کشورمان میدانند. صد رهونی مین میگوید: "در مبارزه های سخت و مشکل علیه دشمن طبقه و ملت باید قهر انقلابی را در برابر قهر ضد انقلابی، بخاطر کسب قدرت و دفاع از آن بکار برد".

باید تاکید کرد که در جامعه ای مستعمره و نیمه - فئودال گذشته ما، امپریالیستها و عوامل آنها به شیوه ای شدید ا ن دشمنان خلق ما را سرکوت کردند و کوچکترین آزاد بهای در مکرانیک رابه آنها رواند اشتند. در آنها لایق قطع بشوهر غیر قابل تصویری عملیات تروریستی برای سرکوب جنبش انقلابی برآه انداختند. به همین دلیل است که حزب ما خیلی زود یاندیشه ی انقلاب قهر آمیز مارکسیسم - لنینیسم خود را مسلح کرد و بطور استوار بر روی راه انقلاب قهر آمیز که تنها راه درست برای کسب قدرت و همچنین حفظ قدرت انقلابی بود، با قضاوت نمود. این موضوع در انقلاب اوت در جنگ مقاومت قبلی ضد استعمارگران فرانسوی، در جنگ مقاومت کونی علیه امپریالیستهای آمریکائی، در عملیات ضد راه - زنان در رگه شته و اقدامات سالهای اخیر در سرکوب عناصر ضد انقلابی در شمال به ثبوت رسیده است.

کلیه تجارب کسب شده در انقلاب ویتنام حقیقت مارکسیستی - لنینیستی را در باره انقلاب قهر آمیز به ثبوت رسانده و تمام خیالات واهی در باره "گد ارضالت آمیز" و گرایشهای رفرمیستی، سازشکارانه و قانونی را طرد کرده است. (تکه از ما است)

در باره ی شکل انقلاب قهر آمیز صد رهونی مین یاد آور شد: "باید اشکال متناسب مبارزه انقلابی را که با شرایط مشخص توافق دارد انتخاب نمود. شکل مبارزه مسلحانه باید بطور صحیح و با مهارت با شکل مبارزه سیاسی برای پیروزی در انقلاب ترکیب کرد." "تحت رهبری حزب ما، انقلاب ویتنام همیشه از هر دو شکل - مبارزه سیاسی و مسلحانه - برای برپا کردن قیام و کسب قدرت استفاده کرده است. برای خورد کردن ماشین دولتی امپریالیستها و عواملشان و بدست آوردن قدرت برای خلق، انقلاب ویتنام هر دو نیرو - نیروهای توده های سیاسی و نیروهای مسلح خلق را بکار برد. ما است. نیروهای مسلح ترکیب شده با نیروهای سیاسی، مبارزه مسلحانه ترکیب شده با مبارزه سیاسی - چنین است شکل اساسی قهر انقلابی در کشور ما. . . . رفیق شونگ مین "در رابطه با جنگ مقاومت ضد امپریالیسم آمریکا چنین نتیجه گیری میکند: "در حال حاضر خلق ما علیه امپریالیستهای آمریکائی مبارزات نظامی، سیاسی و نیلما تیک را ترکیب کرده است. بخاطر ترکیب مبارزه سیاسی با مبارزه نظامی خلق ما از یک سو جبهه متحدی که در برگیرنده هی احزاب سیاسی سازمان های توده ای مانند اتحادیه های کارگران، انجمنهای در هقائی، سازمانهای جوانان، سازمانهای زنان، تشکیلات دینی و مذهبی و غیره. . . هستند، بوجود آورد و از سوی دیگر نیروهای مسلح خلق که شامل ارتش نظام، ارتش خلقی چریکی و قوای خودمختارهای چریکی و پلیس مسلح خلق میگردد. . . بوجود آورده است.

تجارب انقلاب ویتنام در عرض ۵ سال گذشته نشان میدهد که انقلاب قهر آمیز تنها راه راستین برای رسیدن به استقلال ملی، دموکراسی توده های سوسیالیسم است. شکل اساسی قهر در انقلاب ویتنام مبارزه سیاسی و مبارزه مسلحانه برتر ترکیب با یکدیگر میباشد. کبریا ساسین شرایط مشخص ناشی از هر مرحله و هر محل بیک از آنها اهمیت بیشتری ندارد. میثوب. . .

آیا خلق مبنی حزب ما در ترکیب مبارزه نظامی و سیاسی برای کسب قدرت در معنی سازمانی بین راه مسلحانه و راه - مخالفت آمیز است؟ طلفا نه! - خط مبنی حزب ما برای کسب قدرت خط مبنی قهر آمیز انقلاب است که شکل اساسی آن ترکیب مبارزه مسلحانه با مبارزه سیاسی میباشد. صحت این خط مبنی در رگه شته و جدالی رویتنام ثابت شده و هیچگونه بنظر یار اوضاع کونی که امپریالیسم و میلیتاریسم تسلط در ارتد. عجز و ابری از راه مسالمت آمیز به امید کسب قدرت نانی از خیالات واهی رفرمیستی است. یک انقلاب عمیق و وسیع واقعی توده های خلق که هدفش کسب قدرت است

پیشن بسوی پیوند با جنبشهای توده ای

شعر باید از آهن و پولاد باشد

(درباره اشعار صدر هوشی مین از مجموعه "یادداشت‌های زندان")

یادداشت‌های زندان که مجموعه‌ای از اشعار صدر هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام را در بر می‌گیرد به تازگی از طرف انتشارات ادبیات مردم در بیکن برای سومین بار به چاپ رسیده است. پس از مطالعه آن عمیقاً احساس می‌کنم که این اشعار همچون گوه‌گرانی‌های هستند که از قلب یک انقلابی بزرگ بیرون آمده‌اند. برای یک رهبر انقلابی سرودن شعر تنها بخشی کوچک از زندگی پر فعالیت او را تشکیل می‌دهد، لیکن همان گونه که قطره‌ای از دریا کافی است تا طعم اقیانوس را بگوید، اشعار صدر هوشی مین می‌تواند بخوبی مظهر کامل او باشد. با مطالعه عمیق این قطعات ما به عظمت این رهبر بزرگ انقلابی و روحیه رزنده ملت ویتنام می‌رسیم.

خلق ویتنام که دهها سال زیر ستم قدرتهای پلنگ استعمارگر و امپریالیستی یکی پس از دیگری قرار داشته هرگز از مبارزه بخاطر بیرون زادن آنها و کسب پیروزی باز نایستاده است. خلق ویتنام با وجود شکست‌ها و کشتارهای بی حد و حصر توسط مرتجعین داخلی و خارجی با اطمینان به پیروزی با روحیه پهلر اسیدن از سختیها و با اراده‌ای آهنین مبارزه را به پیش برده است. اشعار صدر هوشی مین بیانگر این روحیه بوده و بطور روشنی آن را ترسیم می‌کند.

هوشی مین این اشعار را بین سالهای ۱۹۴۳-۱۹۴۴ که برای خلقهای چین و ویتنام از مشکل ترین مراحل انقلاب بود در زندان گوانسی واقع در جنوب چین سرود. هوشی مین چه هنگامیکه در زندانهای سز با کرسنگی و خنوت و وحشیانه روبرو بود و چه به هنگامیکه با مراقب از محلی به محلی منتقل می‌شد برای ابراز تنفر و خشم خود تجارتن را به شعر بیان می‌کرد. در این اشعار دل‌تنگی و امتیاق او برای میهن و مردمش - مرد میکه در آن موقع در زنج طاق قفسائی به سر می‌بردند - نهفته بود. این اشعار در عین حال از ددمنشی دشمن پر بر می‌داشت، لیکن آن چه در تمام این اشعار به چشم می‌خورد اخوانیت بین سربازان انقلابی است. مجموعه‌ای از ابیات زیر شروع می‌شود:

جسم زندانی زندان است،
فکر به بیرون می‌خورد.
در زیر میازندگی و ایجا
فکر باید بزرگ و شکیبا باشد.

صدای برنج کوبها " صدر هوشی مین در این مورد چنین می‌گوید:

" جقدر برنج زیر دنگ باید برنج بکشد و کوبید ه اما با کوبیده شدن چون پنبه سفید می‌گردد. در این دنیا برای آدمها هم اغلب چنین چیزی اتفاق می‌افتد.

آنها در کارگاه بدختیبا و مشکلات صقل می‌یابند. در قلمه " نصیحت به خود " روشن تر بیان می‌کند:

" سختیها و مشکلات آید به و محکم‌ترند و اندیشه را باز به پولاد ریختند.

در این اشعار تحمل به معنی پیگیری در مبارزه و خوش بینی انقلابی است. این اشعار مردم را به غوار شمرن تمام نیروهای سیاه بر می‌انگیزد و شجاعتشان را درنا بودی دشمن زیاد می‌کند. در فیلمهای مستند ویتنامی می‌بینیم که علیرغم بمباران و یواغراسر زمین ویتنام توسط هواپیماهای امپریالیستهای آمریکا مردم در حین مبارزه علیه تجاوز دشمن فعالیت روزانه خود را قطع نمی‌کنند، آواز می‌خوانند و موسیقی می‌نوازند. این روحیه خوش بینی انقلابی یعنی بی پروائی در جنگ و خوشنوی و استواری در بر خورد با دشمن بطور زنده و روشنی در اشعار صدر هوشی مین انعکاس یافته است. رهبری بزرگ زائیده‌ی ملتی بزرگ است و روحیه عالی او منبع بزرگی برای الهام ملت اوست. خلقی بزرگ با چنین رهبری بزرگ بی هراس بوده و مغلوب نشده است.

... بسیاری از این اشعار توصیف زنده ای از زندگی پر زنده اند بطوریکه خواننده بزاحتی می‌فهمد احساسات طبقاتی شاعر چیست؟ یعنی باید از چه چیز و چه کسی تنفر داشت و چه چیز و چه کسی را دوست داشت.

قلم هوشی مین مرتجعین را که بخاطر فتنه و رفتن آمرانه شان بطور شدیدی محکوم کرده بود معاف نکرد. " غداهای زندان "، " غل و زنجیرها " و " نگهبان حامل خوکها " بر از گماید است. در اشعار دیگری او سختیها و مشکلاتی را که در راهش بودند به یاد تسخیر می‌گیرد و کاملاً آنها را فراموش نمی‌کند.

در سال ۱۹۶۰ و تیکه در بازنده همدین ساکرت تاسیس جمهوری در مکرانیک ویتنام شرکت کردم چند مین با تیکه ملاقات با صدر هوشی مین مفخر شدم. فروتنی، رفتار بی تکلف و دور از هرگونه شخصیت او اثر ناز و شگفتی را من باقی گذاشته است.

هموز به خاطر می‌آورم صبحی را که در دست بعد از اینکه از خواب بیدار شده بودم کسی بیرون اتاق اطلاع کرد که " صدر ایجا است " قبل از اینکه کمر را ببندم صد هوشی مین وارد اتاق شده بود و به من گفت که این تشریفات را دور بزنیم. هوشی مین گفت که " خودتان را به در سر نیاندازید. می‌بینید منم کم را نبوده ام. وبعد با من مثل یکی از اعضا قایلش شروع به صحبت کرد. در یک ضیافت دولتی صدر هوشی مین با روحیه ای عالی همه را در اجرای سرود " اتحاد قدرت می‌آورد " رهبری کرد. صدر هوشی مین حتی در سن هفتاد سالگی لیریز از شور انقلابی بود.

باز تا می‌ازد رختندگی شخصیت اوست که در عین حال معمولی و بزرگ بود. او گفت: " خواندن شعر یکی از عادات من نبود. " معبد او در شعر " مطالعه گلچین هزارشاعر " درباره شعر چنین می‌گوید:

" قدیمیها دوست داشتند راجع به زیبایی طبیعت شعر بخوانند، راجع به حرف گل، ماه، باد، ماه و گوهستان و رودخانه ها.

امروز شعر ما باید از آهن و پولاد باشد، و شاعر باید بداند که چطور یک حمله را هدایت کند.

" امروز شعر ما باید از آهن و پولاد باشد " این دقتا همان برداشتن است که تمام مردم انقلابی که در زمینه های ادبیات و هنر کار می‌کنند باید داشته باشند. شعرهای صدر هوشی مین واقعا شعرهای آهنین است. هستند که برای همیشه زنده خواهند ماند. هر کس که شوقی برای نوشتن شعرهای سوسیالیستی داشته باشد، این اشعار یولانین را رهنمودها و نمونه‌های خوبی خواهد یافت.

بقیه پیگیری طولانی، سخت و بفرنج، اما پیروزند از ۴ لشکر و ۳ تیپ آمریکائی باستانیانی یک لشکر از رزم های وابسته و بیش از ۵۰۰ هزار نیروی ارتش پوشالی جنوب بعید آن آورده شدند. ۳۹۰ هزار و دریا سالار آمریکائی و ۳۶۰ هزار پوشالی فرماندهی عملیات را بعید داشتند. این تعرض در ماه آوریل ۶۶ با شکست کامل آمریکا به پایان رسید. ۴۷۰ هزار سرباز آمریکائی و ۱۱۵ هزار نفر از ارتش پوشالی جنوب از زمین آن نبرد خارج و پاکت شدند. بهنگام عقب نشینی دشمن نیروهای جبهه‌ی ملی رهائی بخش جنگ پارتیزانی را توسعه دادند و تلفات سنگین تری وارد ساختند و قسمت اعظم نیروهای آمریکائی را محصور به در فاع از خود و ترکرد در ۳۰۰۰ نقطه‌ی جدا و بدون ارتباط با هم نمودند.

در مین " تعرض مقابل فصل خشک " متجاوزین در اکتبر ۶۶ شروع شد و برخلاف اولی که بطور عده متوجه " شکست ستون فقرات " جبهه ملی رهائی بخش بود، این تعرض در اری د هودف " برقراری آرامش " و " تعقیب و نابود کردن " بود.

" برقراری آرامش " به منظور مقابله با جنگ پارتیزانی و تصرف در آورتن مناطق آزاد شده انجام میگرفت و " تعقیب و نابود کردن " به منظور شکست دادن و از نبرد خارج کردن نیروهای منظم رهائی بخش و یا حداقل مجبور نمودن آنان به مراجعت به جنگ پارتیزانی بود. تاکتیک امپریالیسم آمریکا در این تعرض برخلاف مرحله قبلی تمرکز نیرو در یک منطقه ی جنگی بود. در حالیکه نیروهای ارتش پوشالی سایگون را برای عملیات " برقراری آرامش " برانگیزه نمود.

این تعرض که با عملیات جنگی بزرگ و پشت سر هم و بطور همزمان در استانهای مختلف بغداد ماه ابرامه داشت، در تمام سطوح با شکست روبرو شد. تلفات این تعرض (کشته یا زخمی) به بیش از ۱۰۷ هزار نفر رسید. بیش از ۱۰ هزار سرباز ارتش پوشالی فرار کردند و یا به نیروهای مسلح آزاد بیخشی پیوستند. ۱۸۰ هواپیما و هلیکوپتر و صد ها هزار ماشین و ابزار جنگی مختلف از بیسن رفت و یابید ست نیروهای مسلح خلق افتاد. ارتش آمریکا و نیروهای پوشالی شکست خورده و به پایگاههای خسود عقب نشستند و حالت کاملاً غیر فعال درآمدند.

در جریان این دو تعرض جبهه رهائی بخش مناطق آزاد شده را توسعه داد و در عمل سایگون، شهرهای بزرگ و پایگاههای آمریکا را کاملاً محاصره نمود.

" تعرض عمومی ت "

در حالیکه فرماندهان آمریکائی در گنجی کامل بسرمهیز نیروهای مسلح ملی رهائی بخش در شب ۲۹ ژانویه ۱۹۶۸ یک تعرض عمومی بطور همزمان علیه تعد از زیاتی پایگاه ها و شهرهای بزرگ در جنوب شروع کردند. نیروهای خلق تا قلب سایگون نفوذ نمودند و با ششینی مردم سایگون در روز چهارم تعرض ۵ منطقه شهر را آزاد کردند و بجای دستگاه اداری پوشالی کمیته های اداری تود های بوجود آوردند. تعرض در " هوته " ۳۱ ژانویه ساعت ۲ و ۵ د شبقی صبح آغاز کردید و در ساعت ۹ صبح تمام شهر تصرف نیروهای مسلح خلق درآمد و مردم جبهه ملی رهائی بخش بر فراز شهر باهتزاز درآمد.

در این تعرض ۵ روزه تلفات و خسارات دشمن عبارت بود از: ۱۵۰ هزار نفر که ۵ هزار نفر آنها آمریکائی ویا سربازان مزد ور کشورهای وابسته بودند، کشته زخمی، دستگیر و یاراکند شدند. ۲۰۰ هواپیما و هلیکوپتر، ۳۰۰ وسیله نقلیه و زرهی گمشامل ۱۷۵ تانک و سایر وسایل زرهی بود. نابود شدند و یا ضده می‌دهند.

پیروزیهای این تعرض بشرطی بیدی را بوجود آورد. تعرض عمومی و قیامهای تود های زنجیری آخرین ضربه را به استراتژی " جنگ محدود " در این مرحله وارد ساخت.

در چنین اوضاعی ناراضی های سربازان و تضاد میان آنان و فرماندهان آمریکائی روز بروز رشد کرد و این ناراضی بنیها بصورت عملیات یراکند می اعتراضی از قبیل خودداری از شرکت در عملیات نظامی، عدم بسیجین، انداختن بمب دستی از طرف سربازان بسوی فرماندهان و فراردهای از سربازان در جبهه جنگ تلویر یافت. هر اینه از روحیه و استقامت خلق ویتنام و نیروهای مسلح آزاد بیخشی جنوب قویتر میشد. در مقابل وضع در جبهه دشمن روز بروز وخیم تر میگردد. امپریالیسم آمریکا مجبوره قبول این واقعیت شد که تجاوز خاک ویتنام در عرصه نظامی و سیاسی محکوم است.

به شکست است و پس از استعفاي ماگ نامارا و برکناری ژنرال وستورلند، جانسون مجبوره محدود کردن بمباران ویتنام شمالی تا یائین مدار ۱۲ درجه گردید و بعد اکره مستقیم بانمایندگان خلق ویتنام تن در داد و بدین ترتیب مبارزات رهائی بخش خلق ویتنام به مرحله جدیدی پی‌آورد.

۵- " جنگ ویژه " زیر نام جدید " ویتنامی کردن " از سال ۶۸ به بعد که طی آن امپریالیسم آمریکا مجبور به بیرون کشیدن نیروهای شکست خورده اش گردید.

امپریالیسم آمریکا پس از گسلی، بیش از نیم میلیون سرباز به ویتنام و شکست مفتضحانه اش، برای نجات خود، بمباران تن در داد و بعد اکره سیاست " ویتنامی کردن " جنگ را در پیش گرفت. بنکمون عامل اجرای این استراتژی جدید شد. در این مرحله امپریالیسم آمریکا تصور میکرد شکستهای مکرر آن در ویتنام فقط در عرصه نظامی بود، داشت و به همین دلیل در کفرانس چهارجانبه یاریتی تخریب کرد و آنرا طولانی مینمود تا شاید بتواند مواضع از دست رفته خود را بازیابد. بدین منظور تجاوز نظامی را با تعرض خاک لائوس گسترش میدهند. این تعرض با شکست مفتضحانه ای روبرو میگردد. در سپتامبر اوایل سال ۶۸ کودتای ارتجاعی " لئون تول " سرریک ماناک را علیه دولت بیلگرفر شپهانوک انجام داد.

در سال ۶۸ و ۶۹ از طرفی آمریکا مجبوره بیرون بردن تعدادی از نیروهای نظامی خود شد و از سوی دیگر با مجهز نمودن ارتش پوشالی سایگون، تشدید حملات هوایی به مناطق آزاد شده ای لائوس و کامبوج آخرین تلاشهای خود را برای جلوگیری از شکست ویتنامی کردن " جنگ ویتنام " انجام داد و بیکی در گزار اعلان خناتیک زانه خود مبتنی بر بنیان آب بند های جمهوری مکرانیک ویتنام " مین گد اری بنان رونالدا خره به بمباران راهزنانه مجدداً هانوسی، هایفونگ و سایر شهرهای ویتنام و مکرانیک در بالای مدار ۲۰ درجه دست زد.

مبارزه ی خلق ویتنام در این دوره

خلق ویتنام پس از پیروزی " تعرض عمومی ت " به گسترش " وحدت نیروهای ملی و مکرانیک وصل " پرداخت و در کنگره ی (۶-۸ ژوئن ۱۹۶۹) دولت موقت انقلابی جنوب ویتنام تشکیل شد که بنوبه خود در رشد مبارزات آزاد بیخشی خلق ویتنام در جنوب تاثیر زیادی بجای نهاد.

در این دوره خلق ویتنام بتوسعه و گسترش مبارزات در کلیه سطوح پرداخت و علاوه بر تحکیم قدرت تود های در مناطق آزاد شده، هر روز ضربات جدیدی به نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا و ارتش پوشالی وارد آورد.

خلق ویتنام در جبهه ی بیلمانیک نیز ابتکار عمل را حفظ نمود و کلیه ی عوامل فریبی امپریالیسم آمریکا را افشا کرد (در مقاله دیگر پیروزیهای مهم خلق ویتنام در سال گذشته آمده است).

پس از ۶۸ نیروهای خلق ویتنام از نظر استراتژیک در سطوح سیاسی، نظامی و بیلمانیک به تعرض پرداختند. در حالیکه امپریالیسم آمریکا و وان تیود دست نشانده - سایگونی او در حال عقب نشینی و موضع دفاعی بودند.

با امضای " موافقتنامه برای قطع جنگ و استقرار صلح در ویتنام " در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳، خلق قهرمان ویتنام مرحله ی نوبتی را در مبارزه ی تاریخی و حماسه آفرین خود برای رهائی ملی و استقلال آغاز مینماید. در این مبارزه بازمه با حیلها و فریبهای امپریالیستها و مرتجعین داخلی روبرو خواهد بود. اما ما مطمئنیم مثل گذشته او خواهد توانست با با افشاری روی ادامه مبارزه تا به آخر، قدم بقدم دشمن را شکست داد و پیروزیهای بازمه بیشتری بدست آورد.

جبهه ملی رهائی بخش ویتنام و دولت موقت انقلابی جنوب ویتنام در داخل و خارج در اری حیثیت عظیمی است و بحق تنها نماینده واقعی خلق جنوب ویتنام میباشد. رژیم پوشالی وان تیود ست امپریالیسم آمریکا نباشد و کماکان توسط او حمایت میشود. هیچ نیروی نمیتواند از وحدت خلق جنوب و شمال جلوگیری نماید. ما مطمئنیم این خواست و آرزوی تود های میلیونی ویتنام برآورده خواهد شد.

نشانی
توده و ستاره سرخ

آدرس پستی تا: Mmo. Paola di Cori
C.P. 493 S.Silvestro
ROMA ITALY

* ترجمه و تلخیص از مجله پگیگ ریو - شماره ۵۰
۱۵ دسامبر ۱۹۷۲

جنگ خلق در هندو چین پیروز است!

بیکاری سخت، بفرج و طولانی؛ اما پیروز مند!

مبارزه‌ی رهائی بخش خلق ویتنام

(۱۹۵۴-۱۹۷۳)

تتو با اعضای فرار از ژنو و شکست کامل امپریالیسم فرانسه در هندوچین، خلق ویتنام، توطئه‌ها، تجاوزات و تهاجم ۳۳ ساله امپریالیسم آمریکا را در سراسر کشور مختلف با شکست روپرو ساخت. در زیر برای روشن ساختن ماهیت این تجاوزات و مبارزاتی که خلق ویتنام برای درهم شکستن آنها نمود، سعی می‌کنیم در هر مرحله مختلف نکات اساسی، تغییر مبارزات قهرمانانه‌ی خلق ویتنام را بطور مختصر بررسی کنیم.

۱- کوشش آمریکا برای تسخیر ویتنام با شیوه‌های نو استعماری (۱۹۵۴-۱۹۵۸)

پس از اولین دوره‌ی این مرحله (سالهای ۵۶ تا ۵۷) هدف امپریالیسم آمریکا استحکام پایه‌های رژیم جدید بود و این امر را با درخواست از طریق پینتر (۳) هدف غلبه بر جنبه‌های طرفدار فرانسه از زمین بزرگ هاسته اصلی جنبش خلق که از اعضا سابق جنبش مقاومت تشکیل می‌شدند و جلوگیری از انتخابات عمومی که می‌بایست برای وحدت ویتنام انجام گیرد، عملی سازد.

سالهای (۵۸ و ۵۹) به دوره‌ی "ثبات نسبی رژیم دیم معروف است" با این دوره که دیم موفق به از بین بردن رقیبان طرفدار فرانسه می‌شود، شروع می‌شود. این اقدام انتخاباتی عمومی رسماً سرانجام داد و شروع به سازماندهی حکومتی پلیسی با استفاده از کمکهای نظامی و سیاسی آمریکا نمود. سازماندهی حکومت تکیه عمده بر دیم و برادران قایلین بر مبنای از بوروکراتها، زمینداران قدیمی از ویتنام مرکزی (محل تولد وی) گروه معدودی از بوروکراتها و ردهای طرفدار آمریکا و اقلیت کاتولیک متمرکز در شهرها بود. سیاست ارضی دیم در این دوره در جهت پس گرفتن زمینهای تقسیم شده میان دهقانان (این زمینها در جریان مبارزات خلق ویتنام علیه استعمارگران فرانسوی توسط قدرت توده‌ای میان آنان تقسیم شده بود) و واگذاری مجدد آنها به زمینداران قبلی و ایجاد یک فترت در میان آنان مرفه برای تقویت پایه‌های حکومتی خود بود.

مبارزات خلق ویتنام در سالهای (۵۴-۵۸)

مبارزات این دوره، خلق ویتنام بصورت اعتراضیه عدم اجراء مفاد قرارداد ژنو و مقاومت در برابر بیکارتوری حکومت دیم انجام گرفت و خلعت سیاسی داشت. در سالهای (۵۴ تا ۵۶) مردم از اشکال مختلف مبارزه سیاسی از قبیل تشکیل کمیته‌های صلح - سازمانهای کله به بینویان - تظاهرات - اعتصاب - مرأ - به ادارات دولتی و درخواست برای دخالت کمیسیون المللی - انزمام هیئت‌های نمایندگی به پیش مقامات بین‌المللی جمع آوری اعضا و ... استفاده می‌کردند. این سطح مبارزه (با وجود تجربه‌ی خلق ویتنام از مبارزات مسلحانه علیه فرانسویها) بطور کامل آگاهانه انتخاب شد. هدف آن بسیج وسیعترین نیروهای ممکن و منفرد کردن بیکارتوری دیم و ندادن بهانه به پینتر رژیم برای مشتعل کردن مردم و باره‌ی جنگ بود. مبارزات این دوره در شهرها بطور عمده شهر طیفی کارگر ویتنام را داشت. ولی در آن توده‌های وسیع مردم از جنبش روشنفکران، مکتوب خورد و بورژوازی، دانشجویان ملی و عناصر شرکت‌ها شرکت نمودند. در آن زمان در روستاها مبارزه برای بدست آوردن زمین در پیوندی عمیق با مبارزه برای کسب حقوق دمکراتیک اجرائی قرارداد ژنو و وحدت ملی قرار داشت. در سالهای (۵۷-۵۸) پس از خود داری دیم از انجام انتخابات مردم از کلیه اشکال قانونی و مسالمت آمیز مبارزه استفاده کردند. مبارزات این دوره در جهت جمع آوری نیروی بیشتر برای مرحله بعدی انجام می‌گرفت که مهمترین آنها عبارتند از: - تظاهرات وسیع و وحدت ملی در اول اوت ۱۹۵۵ - در همین روز سازمان "جنبش صلح سایگون - چولون" به رهبری شخصیت‌های مهمی مانند حقوقدان "نگوین هوتو" تأسیس می‌شود. این سازمان تبلیغات وسیعی در کارخانه‌ها، مدارس و محله‌های فقیرنشین انجام داد و به سرعت به شهر "هوکو" سایر شهرستانها توسعه

پیدا کرد. این جنبش که بعلت نفوذ زیاد شن در میان توده‌ها، یعنی جدی در برابر سیاست دیم بوجود آورده بود پس از ۲ ماه متخل شد و رهبران دستگیر گردیدند. ولی اعضا و فعالین آن یا تشکیل کمیته‌های دیگر یا اهدای مختلف به مبارزه خود ادامه دادند. در این دوره:

- جنبش کارگران نیز در شهرهای مختلف بسیار فعال بود - اعتصابات اواخر ۵۶ که در آن ۲۵۰۰ تن از کارگران و کارمندان شرکت داشتند. ۵۱ کارگاه را از کار انداخت.

- اعتصاب عمومی سایگون و "تای تو" در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۵۵ انجام گرفت و بعد بیکر شهرهای جنوب ویتنام توسعه پیدا کرد. - مبارزات اقتصادی در سال ۱۹۵۶ به اوج خود رسید. در این سال ۵۸۸ ه مبارزه منفرد و ۵۰۴ مبارزه جمعی انجام گرفت که مهمترین آنها عبارت بودند از: - اعتصاب ۵۰۰ نفر از کارگران راه آهن و ۵۰۰ کارگر بارانداز و ۹۰۰ نفر از کارگران کیمیاوی برق سایگون. - اقدام به جنگ "سرکوب کننده علیه مردم جنوب ویتنام" (۱۹۵۶ تا اواسط ۱۹۵۷) در سالهای (۵۹ و ۶۰) رژیم نگوین دیم سیاست اختناق و ترور را تشدید کرد و هزاران نفر از نیروهای مزدور خود را به مناطق مختلف برای تجاوز، چپاول، غارت و کشتار مردم کسبل نمود. بسیاری از مناطق کفیل آرا می‌شدند. موقتاً دوباره به تصرف رژیم در آمد. مزدوران جلاد "دیم" برهه‌های بریده و شکمهای یاره شده‌ی مردم را برای "عبرت‌همگان" به معرض نمایش می‌گذاشتند. و حتی ترن آنها حتی بدن بی جنسان مبارزین را آویزان نموده و جگر آنان را بعنوان مزه‌ی شراب برای "شان" دادن تفریح خود علیه کونسیم" می‌خوردند. تمام این وحشیگریها به منظور ایجاد ترس در دهقانان و کوچ دادن اجباری آنان به اردوگاهها رژیم بود که آنها را با تبلیغات کت خراش "مراکز راه" دهکده‌های نمونه" و "موسسات کشاورزی" می‌نامیدند. نقطه اوج تشدید اختناق با تصویب قانون قاپوسی

(۱/۵۹) که جنایات دیم را قانونی می‌نمود تکمیل کرد.

مبارزات خلق ویتنام در سالهای (۵۹ تا اواسط ۶۱)

مبارزات خلق ویتنام در این دو سال بطور اساسی خلعت سیاسی خود را حفظ نمود. مردم بطور عمده از طریق غلظتی و قانونی مقاومت خود را ادامه می‌دادند. و با مراجعه به مقامات دولتی از اجحافات و جنایات مزدور ران آنها شکایت می‌کردند. به موازات پیشبرد این مبارزه عوامل جدیدی در ابتدا بصورت جنبشی وسیع و وسیع تر در جنبش خلق ویتنام ظاهر شد.

در شهرها به علت اختناق تشدید جنبش کارگری و دانشجویی به عقب نشینی موقت اقدام کرد و مبارزات شهری بغیر از مراجعات قانونی به مرور بصورت مخفی سازمان داده شد.

در روستاها راه دیگری جز بدست گرفتن اسلحه باقی نمانده بود و دهقانان ایجا و آجا به منظور قاع از خود مسلح می‌شدند و دهکده‌ها را سنگر بندی می‌کردند. به مرور اولین تظاهرات شکل تبلیغات مسلحانه بوجود آمد. اولین قتل مسلحانه که بعنوان نمونه‌ای برای تها خلق ویتنام در آمد "بن تزه" (در تلتای مگونگ) است که به رهبری خام "نگوین تی دین" (معاون کتوبی ارتش ملی رهائی بخش) انجام گرفت. نیروهای شورشی توده‌های وسیع مردم را به مبارزه کشیدند و گروههای چریک روستائی ایجاد کردند و در مدت ده هفته بجای عاملین و موسسات اداری "دیم"، کمیته‌های توده‌ای محلی را جانشین کردند. ۱۳۰۰۰ سرباز پیاده نظام و تفنگ از روستائی دیم به حمله‌ی مقابلین نتیجه‌ای نداشتند. تظاهرات وسیعی با شرکت زنان همراه با اشغال یک هفته "شهر موکای" حکمران شهر را مجبور کرد که دستور عقب نشینی ارتش پوشالی را بدهد و برای

اولین بار قیام مردم در تمام یک ایالت با پیروزی کامل روبرو شد. نگاه پس از این حادثه تاریخی در فوریه‌ی ۱۹۶۰ اولین پیروزی بزرگ نظامی نیروهای مسلح انقلابی خلق ویتنام بدست آمد. در منطقه "تای نین" ۲۶۰ نفر از نیروهای مسلح خلق با کمک عناصر میهن پرستانه صفوف دشمن موفق شدند بیش از ۴۰۰ نفر از نیروی دشمن را از بین ببرد. ۸۰۰ اسلحه‌ی سبک، ۴۰۰ اسلحه‌ی اتوماتیک و مقادیری اسلحه‌ی سنگین به غنیمت گیرند. این سلاحها برای مسلح نمودن اولین گردان نیروهای مسلح خلق مورد استفاده قرار گرفت.

این پیروزی را باید بسطاً به آذرب آغاز جنگ ملی رهائی بخش خلق ویتنام محسوب نمود. در اواخر سال ۱۹۶۰ در منطقه‌ی جنوب ویتنام تقریباً تمام اقشار مردم در مبارزه‌ای وسیع علیه رژیم آمریکایی درگیر شدند. در این مرحله لزوم یک رهبری متمرکز در دو زمینه سیاسی و نظامی بعنوان نیازی حیاتی برای پیشبرد انقلاب احساس شد. و بدین ترتیب "جبهه‌ی ملی رهائی بخش ویتنام جنوبی" در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۰ ایجاد گردید.

تشکیل جبهه‌ی رهائی بخش نتیجه‌ی شش سال مبارزه و تبلور تمام نیروهای دمکراتیک و میهن پرست بود. نگوین هوتو که هنوز در زندان دیم به سر می‌برد غیاباً به رهبری جبهه‌ی ملی رهائی بخش انتخاب گردید.

نکات اساسی برنامه‌ی جبهه‌ی ملی رهائی بخش

در تشکیل جبهه‌ی ملی رهائی بخش سه جنبه‌ی اساسی شرکت داشتند: الف - حزب انقلابی خلق - حزب طیفی کارگر و پیش قراول شناخته شده‌ی انقلاب ویتنام جنوبی. ب - حزب سوسیالیست رادیکال به نمایندگی روشنفکران میهن پرست. ج - حزب دمکرات که بورژوازی ملی را نمایندگی می‌کرد. علاوه بر سه حزب فوق الذکر ۲۶ سازمان و کمیته از گروههای مختلف ملی، مذهبی یا از اقشار و طبقات مختلف مردم در جبهه‌ی ملی رهائی بخش و ارگانهای مختلف آن عضویت دارند.

جبهه‌ی ملی رهائی بخش یک برنامه‌ی ده ماهه‌ای طرح ریزی نمود که نکات اساسی آن عبارتند از:

- تشکیل یک جبهه‌ی انقلابی ملی - دمکراسی وسیع - ساختمان اقتصاد ملی مستقل و متکی به خود - انجام رفور ارضی، پیشرفته و ریشه‌ای - تضمین حق اقلیتها ملی در اداره نمودن امور خود - در پیش گرفتن سیاست خارجی مبتنی بر صلح و بی طرفی و وحدت مسالمت آمیز کشور. ۴- هدف "جنگ ویژه" که توسط ارتش سایگون تحت فرماندهی امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، در هم شکستن جنبش توده‌های مقاومت تحت رهبری جبهه‌ی ملی رهائی بخش بود (از اواسط ۱۹۶۱ تا اواخر ۱۹۶۱)

"جنگ ویژه"ی آمریکا در ویتنام در سه مرحله طرح ریزی شده بود:

الف - برنامه‌ی "برقراری آرامش" (باسفیکا سیون) ویتنام جنوبی در ۱۸ ماه (از اواسط ۶۱ تا اواخر سال ۶۲) و بوجود آوردن پایگاههای در ویتنام شمالی جهت انجام بحریکات و عملیات تخریبی. این مرحله که با تقویت ارتش سایگون در کلیه زمینه‌ها، ایجاد سازمانهای نظامی جدید، از یاد مستی ران نظامی، کاد رعلیماتی و نیروی نظامی آمریکا و ویتنام و دست گرفتن مستقیم رهبری عملیات جنگی از طرف آمریکا شروع گردید. بوسیله‌ی اقدامات مختلف از قبیل رواج دادن فساد، جنگ روانی، جنگ اقتصادی، حملات تروریستی، ایجاد گروههای "صلح"، ... انجام گرفت. حملات تروریستی، ابزار اصلی ایجاد "دهکده‌های استراتژیک" بودند. این دهکده‌ها نیز بنوعی خسود کید اصلی برنامه‌ی "برقراری آرامش" را تشکیل میدادند. ارتش پوشالی ۱۰ میلیون دهقان ویتنامی را مجبور کرد که در ۱۳۳۲ اردوگاه تجمع کنند. ساختمان این اردوگاهها باتوسل بقهرضد انقلابی به دهقانان تحمیل میشد. دهکده‌های خالی به "دهکده‌های استراتژیک" تبدیل میگرددند.

ب - در مرحله‌ی دوم این برنامه میبایست اقتضای جنبش جنوبی تقویت شود. رژیم سایگون از نظر نظامی و سیاسی تحکیم گرد و عملیات خرابکارانه علیه ویتنام شمالی شدت پیدا کرد. برنامه‌ی این مرحله عبارت بود از: فوئده ز شمال ویتنام از طریق فعالیتهای جاسوسی، اعزام کوماندهای مخصوص و عملیات خرابکارانه. با پشتیبانی رژیم تقویت یافته سایگون. طبق این برنامه امپریالیسم آمریکا آرزوی تصرف تمام خاک ویتنام را در سر می‌پروراند.

بیماران وسیع نواحی کوهستانی و روستائی، بکاربردن مواد شیمیائی سموم کننده و زور امپریالیسم آمریکا بطور مستقیم در میدان جنگ از خصوصیات این مرحله است. تاکتیک جبهه‌ی ملی رهائی بخش در مقابله بنا "جنگ ویژه"

مبارزات خلق ویتنام در این مرحله بطور عمده شکل جنگ توده‌ای طولانی بخود گرفت و جنبه‌ی ملی رهائی بخش در هر مرحله با بسیج وسیعترین توده‌های زمین جنگ و کسار سیاسی - اقتصادی و تبلیغاتی شدت جبهه، هدف فنیهای امپریالیسم آمریکا و رژیم پوشالی "دیم" را با شکست روبرو کرد. در برابر "جنگ ویژه" جبهه‌ی ملی رهائی بخش از دو تاکتیک عملیات ضد "ناک کردن" و عملیات حمله‌ای جنبه‌ی جانیته‌ی "سه بیگان" استفاده نمود. عملیات ضد "ناک کردن" با بسیج دهقانان و تبدیل مناطق روستائی بیسه ندهای دفاعی و همچنین درگیر شدن مستقیم نیروهای ملی رهائی بخش بود. در خصوص در مرحله‌ی دوم یعنی از سال ۱۹۶۲ تا سال ۱۹۶۴ انجام گرفت. عملیات حمله‌ای "سه بیگان" بصورت مقابله همزمان با دشمن در سه زمینه استراتژیک، مختلف انجام میگرفت که شامل عملیات نظامی، فعالیت سیاسی بر زمین توده‌ها و کارافتادگی و تبلیغی در میان نیروهای دشمن میشد. در هدایت این مجموعه عملیات نظامی نقش غالب را بیازی میکرد. و فعالیت سیاسی بعنوان کمک به آن و پیشبرد قهر مسلحانه بکار میگرفت. عملیات حمله‌ای "سه بیگان" در سطح ملی و در تمام میدانهای جنگ و در هر سه جنبش: مناطق کوهستانی، روستا و شهر بطور همزمان انجام میشد.

۴- جنگ "حلی" یا "محدود" با شرکت مستقیم نیروهای مسلح زمینی در روستائی و هوائی آمریکا و بیماران شمال ویتنام (۱۹۶۵-۱۹۶۸)

در اوایل سال ۶۵ وین از شکست کامل "جنگ ویژه" امپریالیسم آمریکا نیروهای منظم خود را وارد ویتنام کرد و با تشدید بمباران شمال ویتنام و شرکت مستقیم در جنگ جنوب میخواست خلق ویتنام را از انبوه آرزو دور کند. در بمباران شمال، امپریالیسم آمریکا سه هدف اساسی را تعقیب میکرد:

الف - تضعیف روحیه‌ی مقاومت خلق ویتنام در شمال و جنوب و بالا بردن روحیه‌ی ارتش و عوامل حکومت پوشالی سایگون. ب - جلوگیری از رسیدن کمکهای شمال به جنوب و منفرد کردن و شکست دادن جنبش در جنوب. ج - نابود کردن پیروزیهای سوسیالیسم در شمال و تضعیف قدرت اقتصادی و نظامی آن. تعدد نیروهای نظامی آمریکان مدت کمتر از سه سال (۶۵-۶۸) به بیش از نیم میلیون نفر رسید. در این فاصله امپریالیسم آمریکا که "آمریکائی کردن" جنگ را کافی نمیدید، به نیروهای نظامی وابسته از کره جنوبی استرالیا، فیلیپین، و تایلند نیز متوسل شد. بطوریکه در اواخر ۶۷ ۱۹ فرماندهان آمریکائی بیش از یک میلیون و دویست هزار سرباز در اختیار داشتند. امپریالیسم آمریکا در فاصله‌ی ۶۵ تا ۶۸ به دو تعرض بزرگ در ویتنام جنوبی دست زد. تعرض اول که در نوامبر ۶۵ - تعرض مقابل فصل خشک - انجام گرفت، دارای "ه جنبه استراتژیک" بود. حفاظت از سایگون و شهرهای اطراف، باز کردن راهها و راه آهن، تضمین امنیت پایگاههای آمریکائی، افزایش تحرك نیروهای آمریکا، ادامه بیماران شمال برای حمایت از کوششهای نظامی امپریالیسم در جنوب، هدف اصلی آن شکستن ستون فقرات جبهه‌ی ملی رهائی بخش بود. در این تعرض تجاوز یقیسه در صفحه سوم

از خلق قهرمان ویتنام بیاموزیم، دستاوردهای عظیم جنگ توده‌ای او را اشاعه دهیم و همدوش او پیشوازی پیروزی‌های بازمیزرگتر بر امپریالیسم آمریکا رویم!